



وحدت وجود و تربیت عرفانی از نگاه علامه حسن زاده آملی

روش‌های تربیت عرفانی از منظر علامه حسن زاده آملی در بعد عملی بر محور چگونگی ارتباط با حق تعالی تنظیم شده‌اند و در باور به وحدت وجود از منظر عرفانی و تأکید علامه ریشه دارد که اصالت با ارتباط با خداست.

روش‌های تربیت عرفانی از منظر علامه حسن زاده آملی در بعد عملی بر محور چگونگی ارتباط با حق تعالی تنظیم شده‌اند و در باور به وحدت وجود از منظر عرفانی و تأکید علامه ریشه دارد که اصالت با ارتباط با خداست.

ایکنا: تبیین روش‌های تربیت عرفانی براساس دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی، به واکاوی بعد عملی پرداخته خواهد شد. همان‌طور که گذشت، روش‌های تربیت عرفانی از منظر علامه در سه بعد شناختی، گرایشی و عملی دسته‌بندی می‌شود. در یادداشت‌های پیشین، بعد شناختی و گرایشی به طور کامل بررسی شد و در یادداشت پیش رو، به تبیین بعد عملی این سامانه تربیتی پرداخته خواهد شد. روش کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های انسان

اصل راهبردی این روش بر مبنای عمل انسان ساز و مبنای تربیتی آن بر نقش ارتزاق و علم در تربیت نفس استوار است. در منظومه تربیتی علامه حسن زاده آملی، روش کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های انسان به منزله حکمت مرزبانی از حریم وجود آدمی است. این روش بر این پایه است که انسان همان‌گونه که از غذای جسمانی خود محافظت می‌کند، باید بر آنچه به جان خویش راه می‌دهد و از آن بیرون می‌فرستد، نظارتی ژرف داشته باشد.

بیشتر بخوانید:

سلوک عرفانی در مکتب علامه حسن زاده آملی؛ از ادراک ذوقی تا معاشقه با خدا
روش‌های تربیت عرفانی در نگاه علامه حسن زاده آملی (ره)

علامه با اشاره به پرسش امام باقر(ع) درباره آیه «قَلَيْطُ الرِّئَاسِ إِلَى طَعَامِهِ»، غذای انسان را «علم و عمل صالح» می‌داند که انسان پرور و انسان ساز است. همان‌گونه که بین غذا و غذاخورنده باید سنخیت باشد، بین علم و جان انسان نیز باید تناسب وجود داشته باشد. گوش انسان یکی از دهان‌های جان اوست و باید دقت کرد که این دهان از کدام سفره ارتزاق می‌کند. آن دهانی که واردات آلوده را تقدیم روح انسان می‌کند، مسبب خروجی‌های ناصواب و گناه آلود می‌شود. به تعبیر شیخ بهایی، «لقمه کآمد از طریق مشتهبه/ خون خور و خاک و بر آن دندان منه/ کان تو را در راه دین مفتون کند/ نور عرفان از دلت بیرون کند.»

همان‌گونه که ورودی‌های ناپاک، جان را تیره می‌کند، خروجی‌های نادرست نیز همچون زهری است که از وجود انسان به محیط اطراف تراوش می‌کند. کنترل زبان، قلم و رفتار، بخش جدایی‌ناپذیر این روش است. ملاهادی سبزواری چه نیکو گفته که «دفتر حق است دل، به حق بنگارش، نیست روا پر نقوش باطله باشد.»

یکی از عهدهای شیخ الرئیس بوعلی سینا در رساله اعیانه، پرهیز از خواندن رمان و قصه‌های باطل است. این پرهیز، نه از روی جمود، که از سر حکمت است؛ زیرا این قبیل امور همچون غذای ناسالمی هستند که طعم غذاهای سالم را از یاد جان می‌برند و ذائقه حقیقت جویی را تباه می‌کنند. این روش با ارائه راهکاری عینی برای پالایش دائمی وجود، زمینه لازم را برای تربیت تدریجی و پایدار نفس فراهم می‌کند و مسیر سلوک را از آلودگی‌های دنیای مدرن مصون می‌دارد. روش تلقین افکار و نیت خوب (مثبت اندیشی)

در روش تربیت عرفانی علامه حسن زاده آملی، روش تلقین افکار و نیت خوب، قابلیت کشتزار دل را به تصویر می‌کشد؛ همان‌گونه که کشاورز، بذر پاک در زمین می‌پاشد، سالک نیز باید بذر اندیشه‌های نیک در جان خویش بکارد. این روش بر این حکمت استوار است که نفس انسان، کشتزاری است که هر چه در آن بکاری، همان را درو خواهی کرد. علامه در تبیین این روش به بیان رابطه دوسویه نفس و بدن می‌پردازد که «مخلیه انسان دارای نوعی از تجرد از ماده است.» از آنجا که نفس، جسمانی الحودث و روحانی البقاست و مراتب و قوای گوناگون دارد، صفت بعضی از مراتب، حتی پایین‌ترین آن‌ها به مراتب بالاتر سرایت می‌کند. علامه چنین ادامه می‌دهد که آیا نمی‌بینید قضایا و اعتقادات مورد محبت یا بغض چگونه در بدن اثر می‌گذارند و آن را رشد می‌دهند و تقویت می‌کنند، یا آن را پست و لاغر می‌سازند؟

مولوی در دفتر دوم مثنوی، این حقیقت را به زیبایی به نظم کشیده است: «آدمی را فربهی هست از خیال/ گر خیالاتش بود صاحب جمال/ و خیالاتش نماید ناخوشی/ می گذارد همچو موم از آتشی.»

این ابیات گویای آن است که انسان سرشار از خیال است و اگر خیالاتش زیبا باشد، وجودش از آن زیبایی لبریز می شود و اگر ناخوش باشد، همچون کسی است که در آتش می سوزد. علامه تأکید می کند که انسان خردمند باید بداند که برای نفس، یک نحوه وحدت جامعه حقیقه است که این نگاه، مثبت اندیشی را از حوزه روان شناسی محض فراتر می برد و به آن بعدی متافیزیکی می بخشد. در حالی که روان شناسی مثبت گرای غربی نزدیک به یک قرن است به این موضوع پرداخته، عرفان اسلامی قرن هاست که از این حکمت آگاهی دارد و آن را در چارچوبی جامع تر ارائه داده است. روش ممارست بر انجام فرائض و ترک محرمات

این روش بر مبنای تأثیر فقه بر تسلیم نفس در برابر خداوند قرار دارد. علامه حسن زاده آملی در این روش بر تأثیر عمل به دستورات فقهی و شرعی تأکید می کند و آشنایی با فقه و عمل به آن را مقدمه حرکت در سلوک عرفانی می داند. ایشان به نقل از مشایخ عرفان می فرماید: «بدان که فقه مقدمه تهذیب اخلاق و اخلاق مقدمه توجه است.» این جمله کلیدی، نقش بنیادین عمل به واجبات و ترک محرمات را به مثابه پله اول و ضروری برای رسیدن به تهذیب نفس و در نهایت، توجه قلبی به خداوند نشان می دهد. بدون این پایه استوار، حرکت در مسیر سلوک، ساختن بنایی بر روی شن زار است. روش مخالفت با بدگمانی

این روش بر اصل تخلیه و تأثیر خیالات بر انتخاب ها بنا نهاده شده است. علامه حسن زاده آملی در این روش، مدیریت قوه خیال را دارای سه حوزه مجزا می داند: طهارت خیال از اعتقادات فاسد، طهارت خیال از تخیلات رذیله و طهارت خیال از جولان در میدان آمال. ایشان یکی از مهم ترین ابتلائات دوره سنی نوجوانی و جوانی را مربوط به حوزه تخیلات باطل می داند که مهم ترین نوع این تخیلات باطل، سوءظن های بی جاست.

این روش با تأکید بر پاکسازی قوه خیال از توهمات و بدگمانی های ناروا، زمینه را برای تربیت نفسی سالم و بینشی صحیح فراهم می کند. روش شکرگزاری

یکی از مقتضیات رعایت ادب معالی، شکرگزاری عباد است. علامه حسن زاده آملی در تبیین این روش، بر این نکته تأکید می ورزد که «ادب معالی» ایجاب می کند بنده بدون اذن و امر مولی، به تصرف در برنامه ای از برنامه های نظام تکوینی و حکمی از احکام کتاب تشریعی دست نبرد.

هنگامی که چیزی به انسان داده می شود، ادب و معرفت اقتضا می کند که در برابر آن، شکرگزاری کند، نه اینکه بی اجازه، آن نعمت را به هر نحو که می خواهد، مصرف کند. ایشان با اشاره به مقام اولیای الهی می افزاید: «چه بسیار از اولیای الله که به آنان دست تصرف عطا شده؛ اما ادب و معرفتشان مانع از اعمال تصرف شده است.» این بیان، شکرگزاری را فراتر از سپاس زبانی نشان می دهد و آن را به سطحی وجودی ارتقا می بخشد. روش الگوگرایی

ولایت مداری و تأثیر الگو در حرکت و عمل انسان، امری واضح و مبرهن است. در این روش، انسان کامل برجسته ترین نظریه عرفان اسلامی در حوزه انسان شناسی مطرح می شود. علامه معتقد است انسان کامل همان امام جامعه و ولی الله است؛ انسانی که از سوی خداوند سرپرست انسان های دیگر محسوب می شود. الگوی تربیت عرفانی در این روش، کسی است که هم مبدأ و هم مقصد را به بهترین شکل بشناسد، خود دارای جامعیت باشد و راه رسیدن به مقصد را نیز بداند.

چنین الگویی پس از طی قوس صعودی در سفر به سوی حق و رسیدن به مقام بقای بالله، در سیر نزولی و سفر از حق به سوی خلق، به هدایت سایر انسان ها به سوی این مسیر سعادت می پردازد. تبعیت از چنین انسان کاملی باید با استفاده از سیره شناسی و همچنین اجتهاد از اعمال ظاهری و باطنی او و تبعیت عملی محقق شود.

روش های تربیتی بیان شده در این یادداشت، همگی بر محور چگونگی ارتباط با حق تعالی تنظیم شده اند. این جهت گیری واحد در باور به وحدت وجود از منظر عرفانی و تأکید علامه حسن زاده ریشه دارد که اصالت با ارتباط با خداست و با تحقق این ارتباط، سایر روابط انسان با خود، دیگران و هستی به سامان می رسد.

الهی سادات بدیع زادگان